



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان با توفیق پروردگار متعال در إخوه و اجداد بود، ترتیب بحث به این صورت است که اول باید إخوه و اقسام آن (أبوینی، أمی، أمی) و تفاوتهای آنها در ارث را بشناسیم و توجه داشته باشیم که إخوه با هم یکسان نیستند. دوم اجداد و اقسام آن (جد و جده أمی، جد و جده أمی) و تفاوتهای آنها در ارث را نیز باید شناخت. سوم اینکه گاهی إخوه یا اجداد به تنهایی هستند و گاهی با هم جمع می شوند و اگر با هم جمع شدند باید ببینیم هرکدام چه نسبتی از سهام دارند. چهارم اینکه زوج و زوجه با تمام اقسام مذکور یعنی إخوه و اجداد و هردوی آنها جمع می شوند، پنجم باید ببینیم اولاد إخوه چه مقدار سهم دارند، خلاصه در بحث ارث توجه به این جزئیات بسیار لازم است چون همه این مسائل در ارث اثر دارند.

در آیه ۱۲ از سوره نساء: ﴿وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَ لَهُ أَخٌّ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ﴾^۱ و آیه ۱۷۶ از سوره نساء: ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَ إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَ نِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۲، كلاله

یعنی همان إخوه و أخوات و سهم الارث آنها بیان شده است البته آیه ۱۲ مربوط به كلاله أمی است و آیه ۱۷۶ مربوط به كلاله أبوینی است و اگر أبوینی نبودند أبی.

خب و اما روایات مربوط به این مطلب را می خوانیم: خبر اول: ﴿محمد بن مسعود العیاشی فی تفسیره، عن بکیر بن أعین، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: الذي عنی الله فی قوله: " وإن كان رجل یورث کلاله أو امرأة وله أخ أو أخت فلكل واحد منهما السدس فان كانوا أكثر من ذلك فهم شركاء فی الثلث " إنما عنی بذلك الإخوة والأخوات من الأم خاصة. وعن محمد بن مسلم عن أبی جعفر علیه السلام فی حدیث مثله. أقول: وتقدم ما يدل علی ذلك.﴾^۳

عیاشی از علماء بزرگ ماست و تقریباً معاصر شیخ کلینی بوده و کتاب تفسیری دارد که در آن از ائمه علیهم السلام روایاتی را نقل کرده ولی واسطه ها را ذکر نکرده منتهی چونکه این اخبار مورد عمل فقهاء هستند حجت می باشند و اما این خبر آیه ۱۲ از سوره نساء را تفسیر کرده و حضرت اینطور فرموده که مراد فقط كلاله أمی می باشد که اگر یک نفر باشد چه مرد و چه زن سدس می برد و اگر بیش از یک نفر باشد ثلث می برد و زن و مرد فرقی ندارند یعنی مساوی ارث می برند.

خبر دوم: ﴿محمد بن یعقوب، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن ابن أبی عمیر وعن محمد بن عیسی، عن یونس جمیعا، عن عمر بن أذینة، عن بکیر بن أعین قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: امرأة

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۹۷، ابواب میراث إخوه و اجداد، باب

۸، حدیث ۱۱، ط الإسلامیة.

^۱ سوره نساء، آیه ۱۲.

^۲ سوره نساء، آیه ۱۷۶.

مسألة ۱۱: لو اجتمع جد و جدة أو أحدهما من قبل الأب والأم أو الأب، مع الإخوة من قبله، فالجد بمنزلة الأخ من قبله، والجدة بمنزلة الأخت من قبله، فللذكر مثل حظ الأنثيين.

مسألة ۱۲: لو اجتمع الإخوة من قبل الأب والأم أو من قبل الأب، مع الجد أو الجدة أو هما من قبل الأم، فالثلث من التركة للجد، ومع التعدد يقسم بالسوية مطلقا، والثلثان للإخوة، ومع التعدد والاختلاف للذكر ضعف الأنثى.

نعم لو كانت أخت واحدة مع الجدودة من الأم، فالنصف للأخت فرضا والثلث للجدودة، وفي السدس إشكال من حيث إنه هل يرد على الأخت أو عليها وعلى الجدودة؟ فلا يترك الاحتياط وإن كان الأرجح أن للأخت الثلثين وللجدودة الثلث كسائر الفروض.

مسألة ۱۳: لو اجتمع الجدودة من قبل الأب مع الإخوة من قبل الأم، فمع وحدة الأخ أو الأخت فالسدس له أو لها، ومع التعدد فالثلث لهم بالسوية ولو مع الاختلاف، والباقي في الفرضين للجدودة للذكر مثل حظ الأنثيين.^۵

بقیه بحث بمانند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

ترکت زوجها وإخوتها وأخوتها لأمها وإخوتها وأخواتها لأبيها قال: للزوج النصف ثلاثة أسهم، وللإخوة من الأم الثلث الذكر والأنثى فيه سواء، وبقي سهم فهو للإخوة والأخوات من الأب للذكر مثل حظ الأنثيين لان السهام لا تعول... إلى آخر الحديث^۴.

این خبر را کلینی به چند سند نقل می کند و اما منظور ما از نقل این دو خبر این بود که بدانیم آیه ۱۲ از سوره نساء مربوط به کلاله امی می باشد و آیه ۱۷۶ از سوره نساء نیز مربوط به کلاله ابوینی یا ابی می باشد.

تا حدودی إخوه و سهامشان را شناختیم و اما در مورد اجداد باید عرض کنیم هر شخصی در مرحله اول چهار جد و جده دارد یعنی جد و جده پدری و جد و جده مادری و بعد اگر بیشتر شوند در مرحله بعد هشت نفر می شوند که فقهاء ما تحت عنوان اجداد ثمانیه از آنها بحث کرده اند.

خب و اما مقداری از کلام امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة را می خوانیم تا مطلب روشن شود:

«مسألة ۸: لو أنفرد الجد فالمال له، لأب كان أو لأم أو لهما، ولو انفردت الجدة فكذلك.

مسألة ۹: لو اجتمع الجد أو الجدة أو هما لأم مع جد أو جدة أو هما لأب، فللمتقرب بالأم منهم الثلث بالسوية (يعنى همان سهم کلاله امی) وللمتقرب بالأب الثلثان، لذلك مثل حظ الأنثيين.

مسألة ۱۰: لو اجتمع جد وجدة أو أحدهما من قبل الأم مع الإخوة من قبلها، كان الجد كالأخ منها، والجدة كالأخت منها، ويقسم بينهم بالسوية مطلقا. (اینها نیز مثل کلاله امی ارث می برند).

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۱، ابواب میراث إخوه و اجداد، باب

۳، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

^۵ تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۸۴، ط نجف.